

پیشینه دانشگاه جندی شاپور

احمدزاده علی^{۱*}

چکیده

یکی از جلوه‌های بارز تمدن کهن ایران نگاه به دانش پزشکی است که نقطه عطف آن تأسیس و توسعه دانشگاه گندی شاپور در خوزستان بوده است. گندی شاپور، شهری بود که در سال ۲۷۱ میلادی به دستور شاپور اول ساسانی (۲۴۱ تا ۲۷۲) به دست اسرای رومی و یونانی و به مناسبت پیروزی او بر والریانوس (امپراتور روم) ساخته شد. نیم قرن بعد، شاپور دوم (۳۰۹ تا ۳۷۹) گندی شاپور را پایتخت خود قرار داد و بر توسعه همه جانبه آن همت گماشت. او هنگامی که امپراتور روم (زنو) مرکز علمی بزرگ شهر رها را تعطیل کرد دانشمندان نسطوری آن جا را با آغوش باز پذیرفت و پزشکان آن را به گندی شاپور فرستاد. این مهاجرت در انتقال میراث فرهنگی یونان به گندی شاپور اهمیت به سزائی داشت.

در سال ۵۳۱ میلادی خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱) به سلطنت رسید. او علاقه وافری به علوم و دانشمندان داشت و اهتمام وافری در توسعه مدرسه پزشکی و بیمارستان گندی شاپور به خرج داد. او پزشکان یونانی و رومی را برای آموزش و پژوهش در گندی شاپور دعوت کرد و بروزیه را جهت آموختن طب سنتی هند به آن دیار فرستاد. همچنین او هنگامی که دانشگاه آتن در زمان ژوستینین (امپراتور روم) تعطیل شد دانشمندان آن را با آغوش باز پذیرفت. در حقیقت میراث فرهنگی خاور و باختر را در گندی شاپور در کنار هم قرار داد. در زمان او تشکیلات منظمی برای امور پزشکی و پزشکان تدوین شد و درجات علمی پزشکان طبقه‌بندی شد.

در سال ۶۵۱ میلادی و در اواخر عصر ساسانی شهر گندی شاپور تسلیم سپاه اسلام شد. در سال ۱۴۸ هجری منصور خلیفه عباسی (۱۵۸-۱۳۶ هجری) رئیس بیمارستان گندی شاپور (جورجیس ابن بختیشوع) را جهت معالجه خود به بغداد فرا خواند که پس از آن به تدریج با مهاجرت پزشکان به بغداد مدرسه طب و بیمارستان گندی شاپور رو به افول گذشته و تعطیل شد. پس از ۱۲ قرن فترت، دانشگاه جندی شاپور، در سال ۱۳۳۴ شمسی در شهر اهواز مرکز استان خوزستان با تأسیس دو دانشکده، بدو کشاورزی و سپس پزشکی تجدید حیات نمود. در سال ۱۳۴۸ شمسی بیمارستان آموزشی جندی شاپور آموزش بالینی خود را آغاز نمود. از سال ۱۳۶۵ شمسی این دانشگاه به دانشگاه علوم پزشکی اهواز (دارای ۸ دانشکده) و دانشگاه شهید چمران اهواز (دارای ۱۳ دانشکده) تقسیم شد. در سال ۱۳۸۳ شمسی نیز اسم دانشگاه علوم پزشکی اهواز به (دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز) تغییر یافت.

کلید واژه‌گان: گندی شاپور، جندی شاپور، خوزستان؛ م ع پ ۱۳۸۷؛ ۷ (۱): ۱-۱۱

*دانشیار گروه کودکان، بخش نفرولوژی اطفال دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

۱- نویسنده مسؤل: Email: dr_ahmadzadeh_ali@yahoo.com

مقدمه

سرباز رومی و سپس ازدواج او با دختر اورلیانوس جانشین والریانوس و آوردن او به خوزستان، به سال ۲۶۱ میلادی، شاپور دستور داد تا در جنوب غرب ایران (خوزستان)، در ۳۰ کیلومتری شرق شوش، ۱۸ کیلومتری جنوب غربی دزفول و ۵۰ کیلومتری شمال غرب شوشتر، (نزدیک قریه اسلام آباد کنونی) شهری که نام آن را "گندی شاپور" گذاشت بنا کنند. نقشه شهر مستطیل و شبیه صفحه شطرنج و دارای خیابان های وسیع و موازی بود و مدت ۱۰ سال ساخت آن به درازا کشید. نام اصلی گندی شاپور که معرب آن جندی شاپور است به زبان پهلوی "وه آندو شاه پوهر" (Veh-andiv i Shahpuhr) بوده است که به زبان پهلوی یعنی شهر شاپور بهتر از انطاکیه است. ولی به معنی "لشکرگاه یا دژ نظامی شاپور" نیز آمده است (۴، ۵، ۶). سپس شاپور در سال ۲۷۱ میلادی دستور داد تا در یک منطقه باستانی که Genta Sphapirta (جتتا شپیرتا یا باغ زیبا) نام داشت، دانشگاهی نیز به نام "دانشگاه گندی شاپور" بسازند. همچنین فرمان داد تا بیمارستانی آموزشی همراه با کتابخانه ای ایجاد کنند و دستور داد تا علاوه بر کتب زبان پهلوی (منجمله نستگ های اوستا از اقصی نقاط) کتب علمی به زبان های دیگر یعنی یونانی، سریانی و هندی نیز جمع آوری و در آن کتابخانه جهت استفاده دانشمندان قرار دهند. سپس امر کرد تا این کتب به پهلوی نیز برگردانده شوند. در این دانشگاه زبان تدریس بدو یونانی (شکل ۱) و سپس پهلوی بود. از وقایع تاریخی مهم که در این شهر اتفاق افتاده یکی به دار آویخته شدن مانی (که خود را پیامبری دانست) به دستور بهرام شاه ساسانی (به سال ۲۷۵ میلادی) پیش دیوار بیمارستان گندی شاپور است و دیگری انتخاب آن شهر به عنوان مقر حکومت یعقوب لیث صفاری (به سال ۲۶۳ هجری) و فوت وی ۲ سال بعد در آنجا است (۵، ۶، ۷، ۸، ۹).

طب در تمام ادوار با آدمی همراه بوده، به این معنی که چون درد و رنج در زندگی با بشر توأم است پس راه علاج و چاره آن نیز مورد توجه و نظر بشر بوده است. اما طب قدیم همواره با خرافات و موهومات همراه بود تا این که بقراط که به حق نام او را پدر طب گذارده اند در حدود ۲۵۰۰ سال پیش (مقارن با سلطنت اردشیر هخامنشی) توانست طب را از سحر و جادو و ارتباط با معابد جدا کند و بزرگترین گام را در توسعه دانش پزشکی بردارد و طب را به صورت منظم و مدون ارائه دهد (۱). متأسفانه بعداً عقاید بقراط به تاریکی گرائید تا این که ۷ قرن بعد جالینوس (۲۱۰ - ۱۳۱ میلادی) مجدداً دانش بقراط را زنده کرد و مدرسه‌ای برای تشریح بدن تأسیس کرد که اساس طب نوین بود (۲). یکی از دانش‌هایی که ایران زمین در آن نقش مهمی را ایفا کرده دانش پزشکی است. دانش پزشکی از دوره اوستایی و ظهور اشو زردشت وجود داشته است به طوری که در اوستا اشارات بسیاری به دانش پزشکی و پزشکان ایرانی شده است. نخستین پزشک آریایی "ترینا" نامیده شده است. براساس نوشته های کتب مختلف به زبان پهلوی ترینا از خواص دارویی گیاهان مختلف استفاده می کرده، علاج همه زهرها را می دانسته و یک کارد برای عمل جراحی داشته است. دومین پزشک آریایی "یما" نام داشت، او توانست گروهی از بیماران پوستی و استخوانی را تشخیص دهد. تخصص ها یا دانش پزشکی در اوستا پنج بخش است (بند ۴ یسنا ۹: ۱- اشو پزشک (بهداشت) ۲- داد پزشک (پزشک قانونی) ۳- کارد پزشک (جراح) ۴- گیاه پزشک (دارو عطاری) یا پزشک داخلی ۵- مانتره پزشک (روان پزشک) (۴).

تأسیس دانشگاه گندی شاپور

پس از پیروزی شاپور اول ساسانی (۲۴۱-۲۷۲ میلادی) بر والریانوس امپراتور (هفتاد ساله) روم و اسیر شدن هفتاد هزار

توسعه شهر و دانشگاه گندی شاپور در زمان شاپور دوم

پس از درگذشت شاپور اول (۲۷۲ میلادی) تا ۸ سال گندی شاپور رونق داشت ولی به تدریج این درخشش کم شد و می رفت که به تاریکی گراید. زیرا در فاصله ۴۰ سال هفت فرمانروا در ایران سلطنت کردند تا این که نوبت به شاپور دوم رسید (۳۱۰ میلادی) و ستاره گندی شاپور مجدداً پرفروغ شد و تا جایی رسید که از سال ۳۵۰ تا ۳۷۹ میلادی چنان رونقی گرفت که جهان علم و دانش را شگفت زده نمود. ماجرا بدین گونه بود که بعد از کشته شدن هرمز دوم پدر شاپور دوم در سال ۳۰۹ میلادی در جنگ با اعراب در بحرین (الاحساء) و پذیرفته نشدن سلطنت سه برادر بزرگ شاپور دوم توسط موبدان، شاپور در شکم مادر به عنوان ولیعهد انتخاب شد و لذا تاج شاهی را بر سر مادرش افرادخت نهادند تا بعد از تولد فرزندش به او سپرده شود. افرادخت بانویی آگاه و با تدبیر بود و زبان یونانی را نیک می دانست و چون در شهر تیسفون با اعراب و رومیان نزدیک بود، بیمناک شد. پس دستور داد تا شهر گندی شاپور را آبادتر کنند و چندی بعد با کودک خود به آنجا رفته و آن جا را پایتخت خود قرار داد و به آبادانی و رونق هر چه بیشتر آن همت گماشت. شاپور دوم در ۱۶ سالگی زمام امور را به دست گرفت و دستور داد تا پل های دائمی بر رودهای دز، کرخه و دجله بسازند. (۹، ۱۰) شاپور دوم تحصیل کرده بود و چند زبان آن روزگار را فرا گرفته بود. او با آگاهی ویژه خود برای شکوه شهر گندی شاپور به اندیشه بنای عظیمی برای دانشکده پزشکی، دستور داد در بیرون شهر مقدمات ساختمان آن را فراهم آورند، به همین جهت از معماران با تجربه محلی دعوت نمود تا با کمک مهندسیین و معماران یونانی، طرحی با اصول فنی و با در نظر گرفتن وضع جغرافیایی منطقه آماده کنند. پس از مشورت طرح بنای دانشکده پزشکی گندی شاپور به تصویب رسید و عملیات ساختمانی آن آغاز شد، و پس از یکسال و نیم، نخستین

بخش آن آماده بهر برداری شد. شاپور دوم در بین علوم مختلف به سه دانش پزشکی، نجوم و فلسفه اهمیت ویژه ای می داد (۹، ۶). بعد از افتتاح دانشکده پزشکی، بیمارستان، رشته های مختلف طب و کتابخانه عظیم آن نیز بین سالهای ۳۵۲ تا ۳۶۵ مورد بهره برداری قرار گرفت. در این سالها همکاری علمی بین علمای ایرانی و غیر ایرانی (یونانی، سریانی، یهودی، هندی، چینی و مصری) به جایی رسید که برای نخستین بار در گندی شاپور طب و کیمیاگری در سطح آکادمیک روز تدریس می شد و در حقیقت نوعی دانش نوین پزشکی به جهان عرضه شد. شهرت آن به گونه ای بود که گروه گروه بیماران برای شفا به گندی شاپور می آمده اند (شکل ۲). شیفتگان آموزش در این مرکز علمی نیز به حدی بود که داوطلبان در انتظار نوبت قرار داشتند. در زمان شاپور دوم در گندی شاپور علاوه بر گیاه پزشکی (پزشکی داخلی)، کارد پزشکی (جراحی)، مانتره پزشکی (روان شناسی) و داروسازی و ستور پزشکی (دامپزشکی) نیز آموزش داده می شد (۱۱). در زمان این پادشاه، ریاست دانشکده پزشکی، پزشک یونانی تئودورس، طبیب ویژه دربار بود. شهرت جهانی دانشکده پزشکی گندی شاپور در مراکز علمی جهان به قدری بود که در کمتر از ۱۰ سال بیش از ۱۰۰ پزشک، استاد و فیلسوف از کشورهای یونان، روم، سیسیل، مصر، هند و چین به گندی شاپور آمدند و شاپور مقدم همه آنها را گرامی داشت و با مزایای بیشتر از سرزمین خودشان، آن ها را جذب کرد که این خود باعث رشد چشمگیر دانشگاه گندی شاپور نه تنها در علم پزشکی بلکه در علوم دیگری نظیر فلسفه و حکمت، ریاضی، نجوم و فیزیک نیز شد. شاپور دوم در گفتار گشایش دانشگاه گندی شاپور چنین گفته است:

”ما با شمشیر خود بر کشورهای متجاوز پیروز می شویم و با دانش و دانایی خویش بر مغزها و اندیشه ها چیره می گردیم، به همین دلیل امروز مراکز علمی این دانشگاه هم

یونان و روم به تدریس دعوت کرد و برزویه طبیب را نیز به هند اعزام داشت (۱۳). برزویه به هنگام بازگشت به همراه خود چند پزشک، گیاه شناس و یک فیلسوف و ستاره شناس به ایران آورد. سپس او مدت کوتاهی ریاست دانشگاه و مدتی طولانی رئیس دانشکده پزشکی بود. هنگامی که ژوستینین امپراتور روم شرقی (۵۲۹ میلادی) دانشگاه آتن و اسکندریه و رها را تعطیل کرد استادان آنها از جمله ۷ دانشمند نامی آن زمان را با آغوش باز پذیرفت. در زمان او برای جذب هیئت علمی، استخدام و درجه بندی آنها قوانینی وجود داشت (شکل ۳). همچنین برای ارزیابی فارغ التحصیلان مقرراتی تدوین شده بود و پس از اتمام آزمون پروانه پزشکی به آنان اعطا می شد. علاوه بر علم طب در سایر علوم منجمه ریاضیات، فنون جنگی، معماری و غیره نیز این دانشگاه توسعه یافت. گفته اند در زمان انوشیروان نزدیک به ۵۰۰ استاد در دانشگاه گندی شاپور تدریس می کردند و ۵۰۰۰ دانش پژوه تحصیل می کرده اند. در زمان او کتابخانه عظیمی (به روایتی دارای ۲۵۹ اطاق "دهلیز" در چند طبقه) ساخته شد که می گویند ۴۰۰ هزار کتاب در آن جا می گرفت (۹) (شکل ۴).

خلاصه این که مدرسه طب گندی شاپور و بیمارستان آن در اواخر عهد ساسانی به مراحل عالی ارتقاء جست. زیرا در این مدرسه از تجارب علمی ملل مختلف یعنی طب ایرانیان، هندوان و یونانیان و اسکندریاییان و علمای سُرّیانی زبان استفاده می شد. علاوه بر زبان پهلوی تدریس به سه زبان یونانی، سُرّیانی و رومی نیز صورت می گرفت به گونه ای که این دانشگاه کانون اصلی انتقال دانش میان خاور و باختر بود و گندی شاپور به یک شهر دانشگاهی بزرگ جهانی تبدیل شد و به نام شهر علم در جهان شهرت یافت. در سال ۵۴۰ میلادی دانشگاه گندی شاپور و به ویژه علوم پزشکی توسعه عظیم پیدا کرد به طوری که علاوه بر طب، بهداشت، کیمیاگری، گیاه درمانی، جراحی، دامپزشکی، دندانپزشکی و

ردیف مراکز علمی جهان رقم می خورد. نمونه آن آمدن شما پزشکان و استادان و فلاسفه و دانشمندان جهان هستید که در این شهر ساکن خواهید بود و ما شما را گرامی می داریم، زیرا که به بشر خدمت می کنید" (۱۲).

بهرحال طی سال های ۳۳۰ تا ۳۸۲ میلادی در گندی شاپور بزرگترین رخ داد علمی که ارتباط علمی خاور و باختر بود روی داد. او بعد از کشورگشایی فراوان و رساندن دانشگاه گندی شاپور به آن شهرت جهانی در سن ۷۰ سالگی به هنگام نوشتن کارنامه خود دیده از جهان فرو بست. رونق دانشگاه گندی شاپور در واقع مدیون عوامل چندی بود: یکی اراده پادشاهان ساسانی (بعد از اعلام دین زردشت به عنوان دین رسمی ایران توسط اردشیر بابکان) بر جمع آوری نستگ های اوستا پس از ویران شدن تخت جمشید به وسیله اسکندر مقدونی، دیگری علاقه آنان به توسعه علم و دانش و آبادانی شهرها و بالاخره عاملی که مهم تلقی شده، مهاجرت دانشمندان و اطباء نسطوری از شهر آدسه یا الرها در بین النهرین (شهر اورفه در ترکیه فعلی) بوده است. زیرا دانشگاه آنجا که استادانش (منجمه بارثوما، یوحنا و نرسی) پیرو اسقف نسطوریوس (پدیدآورنده اعتقاداتی نوین، متفاوت با مسیحیت سنتی) بودند، به سفارش پاپ و دستور Zino امپراتور وقت روم شرقی (۳۶۵-۳۷۵ میلادی) تعطیل شد، آنان آنجا را رها کرده و به گندی شاپور که جای امنی بود و مزایای بیشماری هم داشت مهاجرت کردند. به علت همین حضور آنها زبان تدریس در مدرسه گندی شاپور بدو یونانی بود (۹، ۲).

عصر طلایی شهر و دانشگاه گندی شاپور

عصر طلایی گندی شاپور مربوط به سال ۵۳۱ میلادی یعنی زمان سلطنت خسرو انوشیروان (۵۷۹ تا ۵۳۱ میلادی) است. در سال ۵۴۰ میلادی وسعت شهر دانشگاهی گندی شاپور دو برابر شد. زیرا این پادشاه بر توسعه دانشگاه و بیمارستان گندی شاپور همت بسیار گماشت و استادان بیشتری را از

شده بودند و به بحث‌های پزشکی می پرداختند. چند پزشک نیز از عربستان که خود تحصیل کرده گندی شاپور بودند در این کنگره جهانی شرکت کردند که از آن جمله حارث کلدی ثقفی (طیب مشهور عرب اهل طائف و هم عصر نبی مکرم حضرت محمد(ص))، نصر بن حارث و ابن خدیم طیب را می توان نام برد(۱۰، ۲). در کنار دانشکده پزشکی در گندی شاپور بنایی بزرگ نیز به نام دانشکده‌ی نجوم و ریاضی بنا و رصدخانه ای در جوار آن ساخته شد.(۹)

تسلیم شهر گندی شاپور در مقابل سپاه اسلام

زمانی که سپاه اسلام به ایران حمله کرد مدرسه گندی شاپور در اوج شکوفایی علمی بود. در سال ۶۳۶ میلادی(سال ۱۷ یا ۱۸ هجری قمری در زمان خلافت عمر و به سرداری ابوموسی اشعری) گندی شاپور به سپاه اسلام تسلیم شد. ولیکن شهرت دانشگاه و تدابیر صورت گرفته باعث شد که دانشگاه از گزند حوادث مصون بماند و همچنان به عنوان مرکز پزشکی قدیم و علوم یونانی باقی بماند. شهرت مدرسه طب گندی شاپور، بیمارستان و روسای آن تا مدتی از دوره اسلامی هم به قوت سابق باقی ماند چنانکه چون ابوجعفر منصور دوانقی در سال ۱۴۸ هجری قمری به بیماری معده گرفتار شد و طبیبان درعلاج او فرو ماندند، وی را به رئیس بیمارستان جندی شاپور بختیشوع پسر جورجیس راهبری کردند. جورجیس با واگذاشتن ریاست به پسر خود بختیشوع به خدمت خلیفه در آمد و پس معالجت منصور نزد وی تقرب یافت و به اصرار خلیفه چندی در بغداد بماند. وی از دوستان تألیف و ترجمه بود چون یونانی، پهلوی و سُرّیانی را نیک میدانست. او چند کتاب در طب را از زبان های مذکور به عربی در آورد. ولی بعدها با مهاجرت استادان حوزه علمی گندی شاپور به بغداد، آن دانشگاه و بیمارستان آن مقام سابق خود را به مرور از دست داد و نهایتاً (بین سال های ۱۲۰ تا ۱۶۵ هجری) بقیه‌ی مدرسه

چشم پزشکی نیز تدریس می شد(۱۳، ۱۰). بنا به گفته جغرافی دانان اسلامی شهر گندی شاپور دارای رودخانه ها، کشت و زرع و دارای نخل و نعمت فراوان بوده است (۱۴). بر سر در این دانشگاه در دوره ساسانی چنین آمده بود: " دانش و فضیلت برتر از بازو و شمشیر است ". در زمان انوشیروان پزشک آموزش دیده بسیار ارزشمند بود ولی باید با ضوابط پزشکی کار می کرد و اگر بر خلاف عمل می کرد کیفر داشت. پزشک می بایست مهربان، شیرین زبان، خوش اخلاق، صبور و با وجدان باشد و حرفه پزشکی را حرمت نهد و به طمع مال کار نکند، بلکه برای خشنودی خدا خدمت کند و آنچه دانش دارد برای شفای بیمار خود به کار گیرد. دوره شکوفایی رشته های طب در گندی شاپور سال های ۵۸۳-۵۳۳ بود. تدریس دروس تئوری در تالارهای دانشکده پزشکی صورت می گرفته است(۹). درس بالینی نیز روی بیمارستان سرپایی و بستری انجام می گرفته است و داروخانه بزرگی نیز در بیمارستان دایر بوده که به بیماران داروی گیاهی می داده است. ساختمان بیمارستان در زمان انوشیروان ۷ ضلعی بوده است. در زمان این پادشاه استادان در رفاه کامل زندگی می کردند و مسکن برای همه فراهم بود و به جهت خیل جمعیت نیز به طور سریع شهرک سازی و بناهای علمی و رفاهی آماده شد. در زمان انوشیروان انجمن پزشکان تشکیل شده بود به طوری که سالی یکبار در تالارهای بیمارستان گندی شاپور تشکیل جلسه می داد. اعضای انجمن برجسته ترین پزشکان بودند. در این جلسات آخرین دستاوردهای علمی مبادله می شد و هر بار درباره موضوعی از طب بحث می شد. نخستین کنگره بین المللی نیز در حضور انوشیروان در سال ۵۵۵ میلادی در شهر تیسفون برگزار شد که در آن از دانشمندان سراسر جهان آن روز دعوت به عمل آمده بود. در این کنگره صد پزشک غیر ایرانی از نقاط مختلف جهان، صدها پزشک و گیاه شناس از گندی شاپور و صدها موبد و هیربد به تیسفون فرا خوانده

مغول یا تاتار دچار چنان ضربه مهلکی شد که هنوز از عوارض آن خلاص نشده است (۱۰). از اطبای مشهور بعد از استیلاي مغولان و تیموریان می توان از محمد زمان مومن حسینی طبیب شاه سلیمان صفوی (قرن یازدهم) صاحب کتاب "تحفه حکیم مومن" (به فارسی) نام برد.

بالاخره بعد از حدود ۱۲ قرن فترت و تنها باقی ماندن نام دانشگاه گندی شاپور در مدارک معتبر تاریخی، مجدداً در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی (۱۹۵۵ میلادی) از طرف وزارت فرهنگ ایران ((دانشگاه جندی شاپور)) مجدداً با راه اندازی دو دانشکده پزشکی، بدو دانشکده کشاورزی (به سال ۱۳۳۴ در حومه اهواز) و سپس دانشکده پزشکی (به سال ۱۳۳۶ شمسی) در شهر اهواز، مرکز استان خوزستان تأسیس شد (شکل ۵). دانشکده پزشکی به موجب موافقت نامه ای که بین وزارت فرهنگ ایران و دانشگاه توپینگن آلمان (واقع در ایالت بادن و ورتمبرگ نزدیک اشتوتگارت که قدمت دانشگاه آن به سال ۱۴۷۷ میلادی بر می گشت) منعقد گردید، کادر آموزشی خود را از استادان آلمانی شاغل در آن دانشگاه تکمیل کرد (۲۰، ۲). تنها بیمارستان شهر اهواز که در زمان رژیم سابق ساخته شده بود و بعد از توسعه در سال ۱۳۳۵ شمسی به بیمارستان جندی شاپور تغییر یافته و زیر نظر وزارت بهداری اداره می شد، از فروردین ۱۳۴۷ شمسی رسماً به دانشگاه جندی شاپور واگذار گردید. ساختمان فعلی دانشکده پزشکی در پردیس دانشگاه نیز در سال ۱۳۴۸ شمسی مورد بهره برداری قرار گرفت (۲۱) (شکل ۶). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی نام دانشگاه جندی شاپور به "دانشگاه اهواز" و سپس در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نام آن به خاطر رشادت های دکتر مصطفی چمران به "دانشگاه شهید چمران اهواز" تغییر یافت. در سال ۱۳۶۵ شمسی به دلیل گسترش و توسعه رشته های پزشکی و پیراپزشکی دانشکده های مربوطه از بدنه دانشگاه شهید چمران جدا و به "دانشگاه علوم پزشکی اهواز" تغییر

گندی شاپور نیز به بغداد انتقال یافت. به دستور هارون الرشید (۱۹۳ تا ۱۷۰ هجری) و زیر نظر جبرئیل یا جورجیس فرزند بختشوع رئیس بیمارستان گندی شاپور نخستین بیمارستان پس از اسلام در بغداد بنا شد و سپس (به سال ۲۰۱ هجری) مامون "بیت الحکمه" را در بغداد به تقلید از گندی شاپور ساخت (۱۰، ۹). ولی برابر نوشته کتاب حدود العالم من المشرق الی مغرب شهر گندی شاپور تا سال ۳۷۲ هجری هنوز آباد بوده ولی بعداً به کلی ویران شده و به جز چند تپه و ماهور چیزی از آن باقی نمانده است. به این ترتیب طب ایران که ترکیبی از طب اوستایی و طب یونانی و دیگر ملل بود همراه با تجربه بالینی ۳۰۰ ساله بیمارستان گندی شاپور دستمایه طب اسلامی شد (۱۶، ۱۵). از جمله پرورش یافتگان طب اسلامی، پزشکان و استادان نامی نظیر علی بن ربن طبری (متوفی به سال ۲۲۸ هجری) صاحب کتاب فردوس الحکمه (بنیانگذار واقعی طب بالینی بعد از اسلام)، محمد زکریای رازی (متوفی به سال ۳۱۳ هجری) صاحب کتاب حاوی، علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی (متوفی به سال ۳۸۳ هجری) صاحب کتاب کامل الصناعه الطیب الملکی طبیب عضدالدوله دیلمی، ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰) صاحب کتاب قانون می توان نام برد که خود از ارکان اربعه طب اسلامی محسوب می شوند (۱۷). همچنین می توان از سید اسماعیل گرگانی (متوفی به سال ۵۳۱ هجری) صاحب کتاب ذخیره خوارزمشاهی (به فارسی) طبیب نامی دربار خوارزمشاهی نام برد. عصر طلایی طب اسلامی بین سال های ۷۵۰ تا ۸۵۰ میلادی (۱۳۳ تا ۲۳۶ هجری) بود. در این یک قرن از ۱۰ تنی که به خلافت عباسی رسیدند دومین خلیفه یعنی منصور و هفتمین یعنی مامون (که مادر و زنش هر دو ایرانی بودند و نفوذ ایرانیان در دوران خلافت وی به متهای درجه رسید) به ترویج علوم منجمه طب رغبت بیشتری نشان دادند. سرانجام طب اسلامی نیز در قرن هفتم هجری (۱۳ میلادی) در اثر حمله

علوم، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر، دانشکده کشاورزی، دانشکده مهندسی، دانشکده مهندسی علوم آب و دانشکده محیط زیست و منابع طبیعی بهبهان، دانشکده هنر شوستر و دانشکده درخشان علوم دریایی خرمشهر است (۲۱). در جدول ۱ وقایع مهم دانشگاه جندی شاپور به ترتیب تاریخ رخداد آمده است.

نتیجه این که بدون تردید دانشگاه جندی شاپور با حیات ۷۰۰ ساله باستانی خود و تجدید حیات آن طی نیم قرن گذشته همواره مشعل فروزانی نه تنها برای میهن مان بلکه برای کلیه سرزمین های اسلامی و تمامیت جامعه بشری بوده است که سند آن شعار یا motto آن در ۱۷۰۰ سال پیش بوده است که بر سر در آن آمده بود، و آن این که ((دانش و فضیلت برتر از بازو و شمشیر است)).

نام یافت و نهایتاً نیز در سال ۱۳۸۳ شمسی با موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی به دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز" تغییر نام یافت (۲۱). این دانشگاه هم اکنون دارای دانشکده های پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی، پیراپزشکی، بهداشت، پرستاری و مامایی (در اهواز و آبادان)، توانبخشی و دانشکده بهداشت در بهبهان است و در زمره دانشگاه های مادر و درجه یک کشور است. شایان ذکر است که اخیراً شاخه بین المللی آن نیز در آبادان در حال راه اندازی است.

دانشگاه شهید چمران اهواز نیز گسترش عظیم یافته و با توان علمی بالا و درخشش چشمگیر هم اکنون دارای ۱۳ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده دامپزشکی، دانشکده



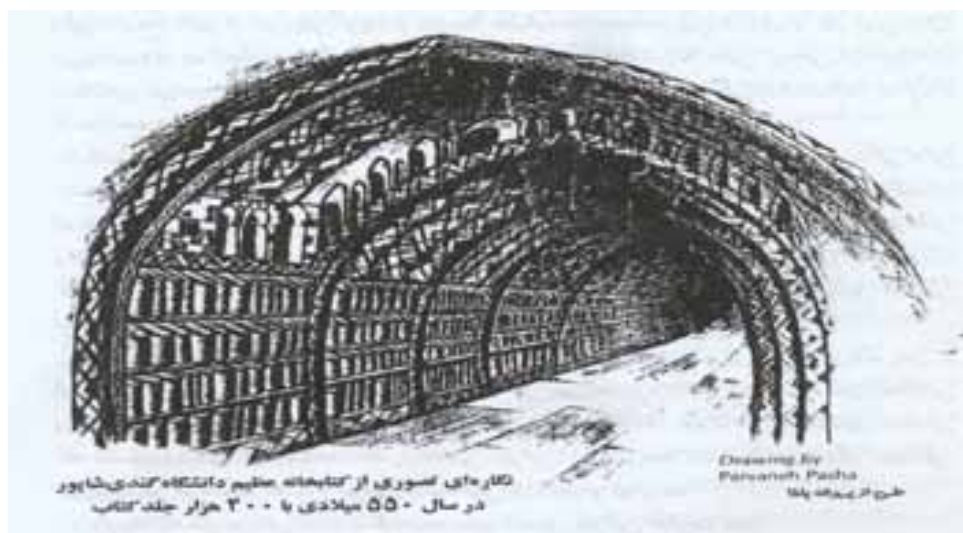
شکل ۱: آموزش تشریح در دانشکده پزشکی جندی شاپور به وسیله سربانیان



شکل ۲: درمان سرپایی و درمان بیمارستانی در بیمارستان گندی شاپور



تصویری از اساتیدان دانشگاه گندی شاپور



شکل ۴: کتابخانه بیمارستان گندی شاپور در عصر خسرو انوشیروان.



شکل ۵: نخستین ساختمان دانشگاه جندی شاپور



شکل ۶: ساختمان دانشکده پزشکی در پردیس دانشگاه علوم جندی شاپور اهواز

جدول ۱: وقایع مهم در پیشینه دانشگاه جندی شاپور

- ۱- اعلام دین زردشت به عنوان دین رسمی ایران توسط اردشیر بابکان در سال ۲۲۶ میلادی و جمع آوری نستک های اوستا و آغاز نهضت فرهنگی آموزشی در ایران.
- ۲- پیروزی شاپور اول بر واریانوس امپراتور روم شرقی در انطاکیه در سال ۲۶۰ میلادی و اسیر شدن هفتاد هزار سرباز رومی و انتقال آن ها به منطقه خوزستان.
- ۳- آغاز بنای گندی شاپور به دستور شاپور اول با همکاری معماران ایرانی ، طراحان یونانی و رومیان که مزد دریافت می کردند در سال ۲۷۱ میلادی و سپس تاسیس مرکز علمی و بیمارستان گندی شاپور در آن شهر.
- ۴- انتخاب گندی شاپور به عنوان پایتخت توسط افراذخت مادر شاپور دوم و سپس خود او بین سال های ۳۱۰ تا ۳۴۰ میلادی.
- ۵- تصویب طرح و سپس احداث بنای دانشکده پزشکی و راه اندازی واحدهای مختلف آن به فرمان شاپور دوم طی سال های ۳۵۲ تا ۳۶۵ میلادی و گماردن تئودوروس پزشک مشهور یونانی به ریاست آنجا.
- ۶- تعطیل شدن مرکز علمی بزرگ شهرها توسط امپراتور روم (زنو) در سال ۴۸۹ میلادی به خاطر داشتن عقیده نسطوری و پذیرش عزتمندانه آن ها در دانشگاه گندی شاپور (رخداد مهم)
- ۷- آغاز زمامداری خسرو انوشیروان به سال ۵۳۱ میلادی و دعوت و جذب استادان یونانی و رومی برای تدریس در دانشگاه گندی شاپور و اعزام به خارج (هند) برزویه برای فراگیری و جذب استاد از آنجا.
- ۸- پناه دادن هفت دانشمند برجسته رانده شده از دانشگاه های تعطیل شده آتن ، اسکندریه و رها توسط ژوستینین امپراتور روم شرقیه سال ۵۲۹ میلادی.
- ۹- برگزاری نخستین گنگره بین المللی پزشکی به درخواست خسرو انوشیروان در تیسفون در سال ۵۵۵ میلادی
- ۱۰- تسلیم شدن شهر گندی شاپور در برابر سپاه اسلام به سال ۶۳۶ میلادی (۱۸ هجری) بدون خونریزی و آسیب.
- ۱۱- انتخاب بغداد به عنوان پایتخت توسط منصور خلیفه عباسی و سپس دعوت از ریاست بیمارستان گندی شاپور برای معالجه بیماری معدی او به سال ۷۵۶ میلادی (۱۶۳ هجری) .
- ۱۲- تاسیس نخستین بیمارستان توسط رییس مرکزگندی شاپور به دستور هارون الرشید و سپس بیت الحکمه توسط مامون در بغداد و انتقال تدریجی استادان گندی شاپور به بغداد و نهایتا بسته شدن بیمارستان گندی شاپور و محو آن شهر.
- ۱۳- بالاخره تجدید حیات دانشگاه گندی شاپور بعد از ۱۲ قرن فترت در اهواز، مرکز استان خوزستان به سال ۱۳۳۴ شمسی (۱۹۵۵ میلادی) به نام دانشگاه جندی شاپور و تغییر نام آن به دانشگاه اهواز و سپس دانشگاه شهید چمران به خاطر رشادت های ایشان در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.
- ۱۴- جدا شدن دانشکده های وابسته به طب از بدنه دانشگاه و تبدیل آن به دو دانشگاه علوم پزشکی اهواز و دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۶۵ شمسی.
- ۱۵- تغییر نام مجدد دانشگاه علوم پزشکی به دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال ۱۳۸۳ شمسی.

تشکر و قدردانی

از خانم ها مریم سعیدی از مرکز اسناد دانشگاه شهید چمران اهواز و فریده رضاییان از کتابخانه دانشکده پزشکی که در تهیه منابع مرا یاری نمودند و همچنین خانم شکوه بنی داوودی که در تایپ مقاله مرا یاری کردند تشکر و قدردانی می نمایم.

منابع

- ۱- نجم آبادی م، مقدمه طب اسلامی، ادوارد بروان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، ۱۳۴۳: ۱۱.
- ۲- معین م، فرهنگ معین، جلد پنجم (اعلام)، چاپ نهم ۱۳۷۵، انتشارات امیرکبیر، ص ۵۰۸ و ۴۱۸.
- ۳- الگود س، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین خلافت شرقی، ترجمه باهر فرقانی، ۱۳۷۱: ۷۷.
- ۴- بهزادی، قوم های کهن در قفقاز، ماورای قفقاز و بین النهرین - www.tebyban.com
- ۵- گیرشمن ر، ایران از آغاز تا اسلام، هارموندزورث، ترجمه محمد معین، ۱۳۳۶: ۱۳۴.
- ۶- قفطی ج، اخبار الحکما، چاپ لیبزیک آلمان، ۱۹۰۳، ترجمه فارسی، ۱۳۲۶.
- ۷- ابن عبری، مختصرالدول، بیروت، ۱۹۵۲: ۷۶.
- ۸- فرای رن، تاریخ ایران، کمبریج، ۱۹۸۳: ۱۲۶.
- ۹- شروینی م، دانشگاه گندی شاپور در گهواره تاریخ، تهران، پور شاد ۱۳۸۱ ص ۶۱.
- ۱۰- براون ا، طب اسلامی، بنیاد ترجمه کتب، تهران ۱۳۴۳: ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۵۶.
- ۱۱- زیدان ج. تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهرالکلام، جلد سوم. ص ۱۲۳.
- ۱۲- نجم آبادی م، تاریخ طب در ایران، چاپ تهران. ۱۳۷۰، جلد ۱ ص ۲۸۸.
- ۱۳- تهرانی فردا، رساله ایران زمین. چاپ سوئیس ۱۳۶۷. صفحه ۲۵۹.
- ۱۴- اولیری د، انتقال علوم یونانی به جهان اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران ۱۳۷۴، ۱۱۲: ۱۱۳.
- ۱۵- خضری ار، مروری بر تاریخ طب در ایران، مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ۱۳۷۲: شماره های ۳ و ۴.
- ۱۶- خضری ار، دانشگاه جندی شاپور، مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ۱۳۷۳: شماره های ۴ و ۵.
- ۱۷- صفا ذ، تاریخ ادبیات ایران، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۸: ۳۹.
- ۱۸- فرای رن، تاریخ ایران (از اسلام تا سلاجقه)، کمبریج، جلد چهارم، ترجمه حسن انوشه، تهران، ۱۳۴۳: ۳۶۲.
- ۱۹- مومن حسینی م.ز، تحفه حکیم مومن، چاپ افست دوم، مصطفوی، تهران، ۱۳۴۳: ۹.
- ۲۰- زندیان م، پی پل زاده م ح، عباسی م، مجدیان م. بررسی تاریخچه مجله علمی پزشکی جندی شاپور از آغاز تاکنون، مجله پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز ۱۳۸۴، شماره ۴۴، ص ۱-۱۰.
- ۲۱- لطفی ش، بردستانی م، سیر تحول دانشگاه شهید چمران (جندی شاپور) از آغاز تا امروز به مناسبت پنجاهمین سال تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز (ندی شاپور)، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد فروردین ۱۳۸۲.

علی 2 ,